

# مزیت رهبری مثبت گرا

چرا و چگونه رهبران مثبت گرا، تیم‌ها و سازمان‌هایشان را متحول  
می‌سازند و دنیا را تغییر می‌دهند

جان گوردون

ترجمهٔ امیرحسین فاضلی مقدم



کتابخانه کونه پبلشرز

## فهرست

- فصل اول: از منفی‌گرایی به مثبت‌گرایی ..... ۹
- فصل دوم: مثبت‌گرایی حقیقی ..... ۱۳
- فصل سوم: رهبران مثبت‌گرا، فرهنگی مثبت رواج می‌دهند ..... ۱۹
- فصل چهارم: رهبران مثبت‌گرا، چشم‌اندازی مثبت ترسیم می‌کنند و آن را به اشتراک می‌گذارند ..... ۳۵
- فصل پنجم: رهبران مثبت‌گرا با خوش‌بینی، مثبت‌گرایی و باورری می‌کنند ..... ۵۱
- فصل ششم: رهبران مثبت‌گرا، با منفی‌گرایی مقابله می‌کنند و آن را کنار می‌گذارند ..... ۷۵
- فصل هفتم: رهبران مثبت‌گرا، تیم‌هایی متحد و یکپارچه می‌سازند ..... ۹۱
- فصل هشتم: رهبران مثبت‌گرا، تیم‌ها و روابطی قوی ایجاد می‌کنند ..... ۱۰۳
- فصل نهم: رهبران مثبت‌گرا در جست‌وجوی موفقیت هستند ..... ۱۳۷
- فصل دهم: رهبران مثبت‌گرا با نیت، رهبری می‌کنند ..... ۱۴۹
- فصل یازدهم: رهبران مثبت‌گرا مصمم و شجاع هستند ..... ۱۶۵
- فصل دوازدهم: رهبری کردن در مسیر رو به جلو ..... ۱۷۵

## فصل اول

### از منفی‌گرایی به مثبت‌گرایی

مثبت‌گرایی فقط به بهبودی شما کمک نمی‌کند، بلکه باعث بهبودی افراد پیرامونتان نیز می‌شود.

من ذاتاً آدم خوش‌بین و مثبت‌گرایی نیستم. اما مردم به‌خاطر کتاب‌ها و همین‌طور صحبت‌هایم، چنین تصویری را در مورد من دارند، اما حقیقت این است که باید سخت تلاش کنم تا انسان مثبت‌گرایی باشم. این چیزی نیست که خودبه‌خود وارد زندگی من شود. در حقیقت حتی از تصور خودم هم به دور بود که کتابی مثل این کتاب بنویسم - و زندگی کاری‌ام متمرکز روی اهمیت مثبت‌گرایی باشد. این مطلب درست است که ما چیزی را آموزش می‌دهیم که نیاز داریم آن را فراگیریم و می‌دانم که تلاشم برای آنکه انسان مثبت‌گرایی باشم و بدل به رهبر بهتری شوم، از من معلم بهتری هم ساخته است.

من در یک خانواده یهودی - ایتالیایی در لانگ آیلند<sup>۱</sup> نیویورک بزرگ شدم. والدینم بسیار با محبت بودند ولی مثبت‌گرا نبودند. پدرم افسر پلیس نیویورک بود که در دایره مبارزه با مواد مخدر فعالیت می‌کرد. او هر روز با جرم و جنایت دست‌وپنجه نرم می‌کرد و خیلی هواخواه مثبت‌گرایی نبود. به یاد می‌آورم که صبح‌ها از خواب بیدار می‌شدم و می‌گفتم: «صبح به خیر پدر» او با لهجه غلیظ نیویورکی اش می‌گفت: «چی ش اون قدر جالبه؟»

۳۱ ساله که شدم، آدم ترسو، پریشان و منفی‌گرایی بودم؛ همسر و پدری بد برای